

آهوان هندو

امام رضا^(ع) در شعر فارسی سُرّایان هندو

عمادالدین ربّانی^۱

محبت به امام رضا^(ع) در اشعار فارسی سُرّایان هندو دیده می‌شود. زمانی که دکتر دهرمندر ناتِه (Dhermindra nath) نویسندهٔ هندوی کتاب‌های همارهٔ رسول^۲ و همارهٔ علی^۳، به ایران آمده بود، در این سفر پیاده به زیارت امام رضا^(ع) نیز مشرف شد و اظهار ارادت خود را به مقام امام هشتم شیعیان ابراز نمود. در این مقاله، اشعار شاعران هندو در مدح حضرت امام رضا^(ع) سروده شده، مورد بررسی قرار گرفته است.

مکّهن، راجه مکّهن لعل شاه جهان پوری^۴

(وفات بین سال‌های ۱۸۴۵ تا ۱۸۴۹ م) از طبقهٔ کایسته^۱ (Kayastha) و از کارگزاران دربار آصف‌جاهیان بود و مدتی نیز در کنسولگری انگلیس کار می‌کرد. او در عهد ناصرالدوله (۱۲۷۳-۱۲۴۴ ق) به خطاب راجه، سرافراز شد. برای اولین بار در سال ۱۲۶۰ ق (۱۸۴۴ میلادی) رباعیات خیام را به زبان اردو ترجمه کرد. کتاب تاریخ یادگار مکّهن لعل نیز اثر دیگر اوست که احوالات سلاطین و امرای آصف‌جاهی در آن ذکر شده است.

به تأیید علی موسی رضا^(ع) ساز مرا از حاصل مطلوب مُمتاز
نقی^(ع) و هم تقی^(ع) شاه سرافراز ز لطف شان همه کارم بپرداز
اغثنی یا رسول‌الله^(ص) اغثنی^۷

۱. شاعر و پژوهشگر ادبیات.

۲. Hamari Rasoul: به معنای رسول ما است.

۳. Hamari Ali: به معنای علی ما است.

۴. Makhan Lal.

۵. ن.ک: علیم اشرف خان، «معرفی نخستین ترجمهٔ رباعیات عمر خیّام به زبان اردو»، فصل‌نامه قند فارسی، ش ۲۷

(پاییز ۱۳۶۳)، صص ۱۳۳-۱۴۱.

۶. سومین طبقه از مذهب هندوان است، بیشتر آنان به عنوان منشی خدمت می‌کردند.

۷. مکّهن، مکّهن لال: دیوان مکّهن لال، حیدرآباد دکن، کتابخانهٔ آصفیهٔ سرکار عالی، شمارهٔ ۱۰۶۷۸، بخش ۲، صص ۲۱-۲۵.



طهارت از تقی^(ع) صاحب احکام می‌خواهم^۱

کاظم^(ع) از جعفر^(ع) امامت یافت بی شبه و گمان
 باقر^(ع) از احسان زین‌العابدین^(ع) شد کامران
 آن حسین^(ع) از شاه دین کرد اقتباس عزّوشان
 گرتوشک داری درین داخل شوی در مرتدان
 گردد از احمد، احد چون میم برداری از آن
 نعت ختم‌المرسلین باشد سرورافزای جان^۲

علی موسی‌الرضا^(ع) را حامی احوال خود دانم

شد علی موسی رضا^(ع) از فیض کاظم^(ع) تاج‌دار
 جعفر^(ع) از باقر^(ع) چو بیعت کرد شد ملجای عام
 از حسین‌ابن‌علی^(ع) بر عابدین^(ع) خرّقه رسید
 مصطفی^(ص) و مرتضی^(ع) را یک بدان اندر طریق
 گر تو از احمد بررسی بیشتر ای بی‌خرد!
 بعد حمد خالقی کو هست رزاق جهان

زاری، منشی منوال^۳

از طبقه کایسته و اهل لکهنؤ بود. در ابتدا از محضر میر قمرالدین منت (وفات ۱۲۰۸ق) و در ادامه از قتیل لاهوری استفاده می‌کرد. او در عهد نواب آصف الدوله (۱۱۱۸-۱۲۱۲ق) و نواب نصیرالدوله فارس الملک محمدعلی‌خان بهادر (۱۱۹۰-۱۲۵۸ق) خدمت می‌کرد.

قصیده در منقبت موسی‌طور، حضرت امام رضا^(ع)

وز اضطراب تیره شب غم امان دهد
 هر دم زبان به سحر به هر بی‌زبان دهد
 بگرفته ارغوان عوضش زعفران دهد
 البتّه از حقیقت رؤیت نشان دهد
 آن‌کس که از برای تو در عشق جان دهد
 هر دم متاع فتنه به اسلامیان دهد
 یاد از بهشت و سبزه باغ جنان دهد
 کو ناخدا که بهر خدا زان نشان دهد؟
 زهری نگاه قهر به ما بی‌دلان دهد
 داد دلش، امیر فلک آستان دهد
 جانی ز لطف و جود به هر انس و جان دهد
 یاد از علو مرتبه انس و جان دهد

روز سپید وصل تو شادی به‌جان دهد
 یا رب تو را چه هست تصرّف که نطق تو
 نیرنگ عشق بین که ز رنگ بلاکشان
 آن‌کس که دیده است بهار بهشت را
 حیف است از تو هیچ گهش دل نمی‌دهی
 زلفت دکان کفر نچیده‌ست بی‌سبب
 لازم به آن خط گل‌رویت که در خزان
 عمری‌ست تا سفینه کامم بُود تباه
 روزی کند شکر به عدو لعل دل‌کشت
 کامی اگر به «زاری» بی‌دل نمی‌دهی
 یعنی جناب شاه خراسان که مهر او
 آن خواجه‌ای که عاکف درگاه جاه او

۱. همان، بخش ۲، ص ۴۴.

۲. همان، بخش ۱، ص ۳۳.

۳. Mannu Lal؛ ن.ک: نریندر بهادر سریواستوا، نوایی عهد کے ہندوؤں کا فارسی ادب میں بیگدن، ۱۳۱ و ۱۳۲؛ محمد مظفر صبا، تذکرہ روز روشن، ۳۲۳.



نور صفا به ناصیه انس و جان دهد
تا بوسه نیاز بر آن آستان دهد
خورشید تیغ خویش به سنگ فسان^۱ دهد
طبع بهار را اثری از خزان دهد
در فصل مهرگان ز بهاران نشان دهد
از لخت‌های دل اجلش ناردان دهد
صد خاک‌مال رشک به دریا دکان دهد
داد دعای خیر بر این آستان دهد
نخل محب تو ثمر جاودان دهد!^۲

آن قبله که طواف در کعبه قدر او
گر بر در تو عقل کل آید محال نیست
اعلی‌ست بس که سنگ در عرش سای او
گر صرصر عتاب تو گرد جهان وزد
گر از مهیب لطف تو آید نسیم فیض
از بهر ضعف قلب عدویت طبیب‌وار
جود تو گر خزاین الطاف وا کند
این است قصد «زاری» مسکین که بعد ازین
از گلشن سپهر دمد تا گل سحر

ایضاً فی شأنه

بدل آتش شود با لعل در سنگ
که رفته صیت او فرسنگ فرسنگ
زند جمشید سر در گور بر سنگ
ندارد هیچ نسبت با گهر سنگ
ز اکسیر نگاهش گشته زر سنگ
بچشم خود سبک شد چون شرر سنگ
کند شمشیر تو صد زخم در سنگ
خورد کهسار صد ره بر کمر سنگ
ندارد از صفا آری خبر سنگ
که بسته لعل و دُر را در کمر سنگ؟
زند بر شیشه مه، سربه‌سر سنگ
زند مهر درخشان تیغ بر سنگ
که گردید از نگاهت کان زر سنگ
زند تا در بهاران گل‌به‌سر سنگ
زند گردون لعبت‌باز خرسنگ!^۳

نگاه مهر او افتد چو بر سنگ
شهنشاه خراسان، کان احسان
ز رشک شوکت خدام آن در
عدیلش نیست دریا در سخاوت
طلا هر سو بُود پیدا، محک نیست
سخن از حلم سنگینت شنیده
چو شمشیر شعاع مهر در موم
به حلمت گر سر دعوی برآرد
دل دشمن نداند قدر مه‌رت
مگر سازد نثار آستانت
صفای شمسه ایوان قدرت
به سنگ آستانت از بلندی
بین گاهی به‌سوی «زاری» زار!
دمد تا لاله شاداب از کوه
الهی بر سر خصمان جاهت

۱. سنگ فسان: سنگی که با آن کارد و شمشیر را تیز کنند.

۲. زاری، منولال: دیوان منولال زاری، رامپور، کتابخانه رضا رامپور هند، شماره ۳۷۷۷، صص ۷۰-۷۲.

۳. همان، صص ۷۲-۷۴.



باقی حیدرآبادی، راجه گِردْهاری پرساد^۱

(۱۲۲۴-۱۳۱۴ق/۱۸۲۸-۱۸۹۶م) از طبقه کایستنه سکسینا (Kayastha Saxena)، فرزند رائی نَرَهَری پرساد (Rai Narahari Prasad) و اهل حیدرآباد دکن بود. او بنّسی راجه (Bansi Raja) لقب داشت و به محبوب‌نواز و نِت بهادر شهره بود. در دربار میر محبوب‌علی خان (حکومت ۱۸۶۹-۱۹۱۱) سررشته‌دار^۲ بود. او شاعری را نزد مولوی میر شمس‌الدین فیض حیدرآبادی مشق می‌کرد.

بهاگوت شریف، قصاید باقی، توشه آخرت، زمزمه باقی، منشآت باقی، باقی نامه و رباعیات بابِ رِکات^۳ از جمله آثار اوست.

اسمای ائمه ابرار

علی^(ع) هست و حسن^(ع) آنکه حسین^(ع) و زین عبادش سپس باقر^(ع) چو صادق^(ع) موسی کاظم^(ع) رضا^(ع) می‌دان
تقی^(ع) و هم نقی^(ع) و عسکری^(ع) و مهدی^(عج) هادی که باشد منتظر، موعود قائم در همه اکوان
ده و دو برج آن شمس رسالت آل اطهارش همین اثنا عشر باشد ائمه، ساطع البرهان^۴

بَلرام شُکلا^۵

(تولد ۱۴۰۲ق/۱۹۸۲م) از طبقه برهمن و اهل روستای ماهاراج گنج^۶ واقع در ایالت اوتارپرادش^۷ است. دکتری سانسکریت و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دارد و استاد گروه زبان سانسکریت دانشگاه دهلی است. از سال ۲۰۲۳م تا ۲۰۲۶م در سمت رایزن فرهنگی هند در ایران بود. شعر فارسی خود را نزد دکتر علی‌رضا قزوه پروراند. ترجمه ۱۰۰ غزل مولانا به زبان هندی و مجموعه اشعار زعفران و صندل و عشق و آتش از آثار اوست.

آمدم سوی خراسان بهر دیدار رضا^(ع) جان‌پناه آهوی جان است دربار رضا^(ع)
می‌رسد سامان کفر از منبع ایمان مرا زعفران قشقه‌ام آید ز بازار رضا^(ع)
تا شود از پیش مشکین‌تر الهی شعر من بار یابد بر در و دیوار دربار رضا^(ع)

۱. Raja Girdhari Prasad؛ ن.ک: دانشنامه ادب فارسی، جلد ۴، صص ۴۰۳-۴۰۴.

۲. سر رشته‌دار: کسی که امور حسابداری دربار را بر عهده دارد.

۳. مجموعه‌ای است شامل: تأثیرات اسمای حسنی باری تعالی، تأثیرات نود و نه نام آن حضرت صل الله علیه و سلم، قصیده بحر فیض آن حضرت صلی الله علیه و سلم، هفت‌بند نعتیه آن حضرت صلی الله علیه و سلم، تاریخ تولد مبارک آن حضرت و الفبای ماتم غم حسنین (ع) علیهما سلام.

۴. باقی، راجه گردهاری پرساد، رباعیات بابِ رِکات، ص ۵۱.

۵. Balram Shukla

۶. Maharajganj

۷. Uttar Pradesh



آهوی جانم اگر از دست صیادان گریخت
شاد گشتم در قدمگاه از قدوم روشنش
بعد ازین هندِ دلمِ عطر خراسان می‌دهد
مهرها دید از رضا^(ع) و شد گرفتار رضا^(ع)
گشت غرق روشنی جانم از انوار رضا^(ع)
بار دیگر کاش برگردم به دیدار رضا^۱

سرْمست، سَرْویش تَریپاتی^۲

(تولد ۱۴۱۲ق/۱۹۹۱م) از طبقهٔ برهمن، اهل بنارس و از شاگردان دکتر علی‌رضا قزوه است. دکترای زبان و ادبیات سانسکریت دارد. گنگا و جوی مولیان اولین مجموعهٔ اشعار فارسی اوست.

حبّذا خاکی که از آن مصطفی گل می‌کند
تا که زهرا^(س) بی‌علی^(ع) تنها نماند در زمین
عشق اگر باغیرت و مردی بیامیزد به هم
نورِ پاکیزه فقط محدود در یک شهر نیست
این خیالِ آستان تو مرا بخشیده مهر
ای امام عاشقان! این بی‌ثمر را سبز کن
دل به پابوس تو آمد چشم مشتاق تو شد
حسرتِ پابوس و دیدارت مرا دیوانه کرد
آمدم از هند تا ایران به امیدِ شفا
در شبستانش سحر، نور و صدا گل می‌کند
از درون کعبه روزی مرتضی گل می‌کند
از زمین تشنه روزی کربلا گل می‌کند
از مدینه تا خراسانش رضا^(ع) گل می‌کند
از نگاه آسمان «صلِّ علی..» گل می‌کند
از نگاه گرم تو صدق و صفا گل می‌کند
در دعای دست مستان ربنا گل می‌کند
خاک «گنگا» نیز با یاد شما گل می‌کند
در دلم خاکِ خراسان با رضا^(ع) گل می‌کند^۳



تصویر شماره ۱: شعرخوانی بلرام شکلا در محضر امام شهید (قدس الله نفسه الزکیه) به تاریخ ۱۴۰۲/۰۱/۱۶

۱. همان، ص ۷۶.

۲. Sarvesh Tripathi

۳. تریپاتی، سرویش، گنگا و جوی مولیان، چ ۱، دهلی نو، مؤسسهٔ فرهنگی شاعران پارسی‌زبان، ۱۴۰۰، صص ۵۴-۵۶.

منابع:

- علیم اشرف خان، «معرفی نخستین ترجمہ رباعیات عمر خیام بہ زبان اردو»، فصلنامہ قند فارسی، ش ۲۷ (پاییز ۱۳۶۳)، ۱۳۳-۱۴۱.
- مکھن، مکھن لال: دیوان مکھن لال، حیدرآباد دکن، کتابخانہ آصفیہ سرکار عالی، شمارہ ۱۰۶۷۸.
- انوشہ، حسن (سرپرست): دانشنامہ ادب فارسی، انوشہ، ج ۴، چ ۱، تہران، مؤسسہ فرهنگی انتشاراتی دانشنامہ، ۱۳۸۰.
- زاری، منولال: دیوان منولال زاری، رامپور، کتابخانہ رضا رامپور ہند، شمارہ ۳۷۷۷.
- باقی، راجہ گرہاری پرشاد، رباعیات بابرکات، دہلی، انصاری، ۱۳۱۳ق.
- تریپاتی، سرویش، گنگا و جوی مولیان، چ ۱، دہلی نو، مؤسسہ فرهنگی شاعران پارسی زبان، ۱۴۰۰.
- نریندر بہادر سریواستوا: نوابی عہد کے ہندوؤں کا فارسی ادب میں یوگدان، چ ۱، لکھنؤ، اردو اکادمی، ۱۹۷۹م.
- صبا، محمد مظفر: تذکرہ روز روشن، تصحیح و تشحیح: محمدحسین رکن زادہ آدمیت، تہران، رازی، ۱۳۴۳.

